

به بهانه ۲۵ اردیبهشت روز میراث فرهنگی

نویسنده: مهرداد بهمنی



معماران - روز و هفته میراث فرهنگی این مرزو بوم یادآور خاطرات عبرت‌آموزی است.

- در ۱۲ می ۱۸۹۵ میلادی مطابق با ۲۲ اردیبهشت ۱۲۷۴ هـ ش با آمدگی هیأت حاکمه وقت در قبال دریافت ۱۰ هزار تومان به طور رسمی توسط ناصرالدین شاه و ۱۵ هزار تومان به طور غیر رسمی توسط میرزا علی اصغر خان صدراعظم او، امتیاز اعطای حفاری به فرانسه فروخته شد. پس از ترور ناصرالدین شاه در ۱۱ آگوست ۱۹۰۰ میلادی مطابق با ۲۰ مرداد ۱۲۷۹ هـ ش قراردادی بسیار بدتر از آن با مظفرالدین شاه بسته شد.

- در ۱۳۰۱ هـ ش انجمن آثار ملی به پیشنهاد ذکاء الملک تأسیس شد.
- بر اساس مصوبه اولین مجلس شورای ملی مورخ ۱۲۸۶ هـ ش دو اداره حفريات موزه و ابنیه عتیقه تشکیل شد و در ۱۳۰۳ آیین نامه آن به تصویب هیأت وزیران رسید.
- در ۱۳۴۴ هـ ش سازمان حفاظت آثار قدیمی تأسیس شد.
- در بهمن ماه ۱۳۶۵ سازمان میراث فرهنگی تشکیل و در ۲۸ تیر ۱۳۶۷ هـ ش اساسنامه آن تصویب شد.
- در ۲۵ فروردین ۱۳۷۲ میراث فرهنگی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی جدا شد و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیوست.
- و بالاخره روز بزرگداشت جهانی میراث فرهنگی روز ۲۸ اردیبهشت و هفته میراث فرهنگی از ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت تعیین شد.

داستان‌های میراث فرهنگی از عهد قاجار تا پهلوی، دوران پهلوی و دوران پس از ۱۳۵۷ برآستی برای صاحبان بینایی، همچون آثار ملموس آن عبرت‌آموز است.

از جهل و سودجویی قاجار تا نگاه به میراث فرهنگی پس از انقلاب مشروطه، از باستان‌گرایی پهلوی تا دفتر مخصوص پهلوی دوم از عزیمت عده‌ای برای تخریب تخت جمشید دو روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا مشکلات دوران جنگ، از کشاکش دوست‌داران میراث فرهنگی در نهادهای دولتی و غیر دولتی با سرمایه‌داری مستغلانی، که همواره با قدرت مالی و لابی فعال خود در صدد تخریب بناها و محوطه‌های تاریخی، قاچاق اشیاء و تغییر برنامه‌ریزی و طراحی شهری بوده و حتی در مواردی بناها و محوطه‌های تاریخی را مانعی برای روند مدرنیزاسیون ایران تلقی کرده است، دیوانی شده که هر ورقش معرفتی برای صاحبان بینایی است.

دوست‌داران میراث فرهنگی همواره به موضوعاتی اندیشیده‌اند که شاید بتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- میراث فرهنگی شامل همه آثار ملموس و غیر ملموس این مرز و بوم فارغ از هرگونه دسته بندی تاریخی، قومی و مذهبی است.
- ۲- نهادهای ارزشی جامعه همواره باید سردمدار حفاظت از میراث فرهنگی باشند و از دام محلل شدن برای سرمایه‌داری مستغلانی بگریزند.
- ۳- طرح‌های منطقه‌ای، جامع، تفضیلی و هادی براساس احترام به ابنیه و بافت های تاریخی تهیه و اجرا شود.
- ۴- توجه به وجوه اقتصادی میراث فرهنگی و به اصطلاح این روزها اقتصاد فرهنگی، به معنای تسری فرهنگ در اقتصاد شهری است و نه بالعکس.
- ۵- سطحی‌گری، عوام‌گرایی، ظاهرسازی در امر میراث فرهنگی همچون بقیه عرصه‌ها، حل مسأله میراث فرهنگی را به تعویق می‌اندازد.
- ۶- نهادهای غیر دولتی در زمینه‌های شناسایی، صیانت، حفاظت و معرفی در کنار روش‌های وقف و جز آن، دیده بان میراث فرهنگی و نیروی محرک آن در شرایط کشاکش نیروهای درگیر در مسأله میراث فرهنگی است.

۷- مدیریت بحران آثار و ابنیه تاریخی برعهده نهادهایی چون سازمان میراث فرهنگی است که برنامه‌ریزی در حوزه‌های پیشگیری، امداد و احیای پس از بحران‌های طبیعی و انسانی را در نظر داشته باشند. چنین امر مهمی برای تمدن باستانی ایران که در سرزمینی زلزله خیز و گرفتار جنگ‌ها و ناامنی‌ها قرار گرفته لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۸- زمان آن رسیده که به تدوین برنامه‌هایی دراز مدت، شاید ۲۰ ساله از پایین به بالا توسط نهادهای غیر دولتی با همکاری نهادهای دولتی اقدام کنیم و فرهنگ مشارکت از سطوح پایین اجتماعی به مرور ترویج شده و به نهادهای مربوطه ارائه شود.

۹- خریداری و احیای خانه‌های تاریخی در بافت‌های اصلی شهرها نیز از اقدامات مهمی است که شهرداری‌ها به عنوان یکی از وظایف و خدمات خود باید در نظر بگیرند و حفظ و احیای این میراث شهری را در کنار اقداماتی چون زیباسازی و ساخت و ساز و توسعه قرار دهند. چنین نگاهی در شهرهای ایران شاید حتی مستلزم کاستن از فعالیت‌های دیگر و در نظر گرفتن سهمی در خور برای میراث فرهنگی شهر باشد.

به امید آن روزها ...

